

۲۹ آبان را روز همبستگی با کارگران زن سازیم

روز ۲۹ آبان روز سالگرد تصویب قانون خروج کارگران موقت از قانون کار را قرار است کارگران تحت سازماندهی ارگان های دولتی (مانند خانه کارگر) برگزار کنند. کارگران ایران ضمن استقبال از این موقعیت، همواره قادرند تا این مراسم را تحت کنترل و سازماندهی خود درآورده و نیز آنرا به روز اعتراض به قانون خروج کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر و روز همبستگی با کارگران زن اعلام نمایند.

قانون خروج کارگران موقت از شمول قانون کار تا پایان سال جاری ۶۴٪ و تا پایان برنامه چهارم ۹۰٪ نیروی کار را هدف قرار خواهد داد (حسن صادقی، رئیس کانون عالی شورای اسلامی ایلنا، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳) از یک طرف و قانون اخیر حذف کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار از طرف دیگر، دو حمله دیگر رژیم جمهوری اسلامی به طبقه کارگر ایران در راستای چرخش خود به سوی گلوبالیزاسیون (یا سرمایه گذاری جهانی) است. هر دو مورد، بی شک و بدون استثنا بر وضعیت نقداً پریشان خیل عظیم نیروی کار موجود در میان زنان جامعه ما بویژه کارگران زن موثر افتاده و آنان را بیش از پیش در برابر آینده ای نامعلوم و پراضطراب قرار میدهد.

بنا به آمار رسمی کشور (در سال ۱۳۷۵)، یک میلیون و ۲۵۸ هزار نفر در کارگاه های کوچک شهرهای بزرگ و یک میلیون در کارگاه های کوچک روستایی که ۹۲٪ آنها شامل کار خانگی است، شاغل هستند. با توجه این آمار، بسیار ساده میتوان دید که چگونه قوانین جدید مستقیماً کارگران زن را که ارزان ترین و فراوان ترین نیروی کار در جامعه هستند، مورد هدف قرار داده است.

زنان ایران با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی تدریجاً و بسرعت آن حقوق ناچیزی را هم که در رژیم قبل از آن برخوردار بودند از دست دادند و تحت قوانین زن ستیز اسلامی بیش از یک چهارم قرن است که دارند برای حقوق انسانی و دموکراتیک خود به هر طریق ممکن میجنگند. در این دوران وضع زنان کارگر و زنان نان آور خانواده ها و بطور کلی زنانی که برای امرار معاش خود و وابستگانشان متکی به نیروی کار خود بوده اند، به مراتب نسبت به زنان خانه دار غیرشاغل و زنان مرفه سخت تر و اسفبارتر بوده است. این زنان در طول حکومت جمهوری اسلامی، به علت تبعیض جنسی بین زن و مرد و کمبود کار، ابتدا کار خود را از دست داده و سپس به علت خیل عظیمشان در میان بیکاران، به بدوی ترین و عقب افتاده ترین نحوی توسط صاحبان کارگاه ها و کارخانجات استثمار شده اند: تولید خانگی. تولید خانگی این زنان برای صاحبان این کارگاه ها و کارخانجات بیشترین سود را از همه جهت، در مقابل نازلترین دستمزدها و بدون پرداخت کوچکترین مزایایی مانند بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی، بیمه بیکاری... داشته است. این زنان که در محیط خانه خود و در کنار افراد خانواده (بخصوص فرزندانیشان) به کار مشغول هستند، از هیچ گونه مزایای امینی برای سلامت خود و افراد خانواده اشان برخوردار نبود و در اغلب موارد وسایل لازم را هم به خرج خود تهیه میکنند و در صورت صدمه دیدن کالای صاحبکار، از هیچ بیمه ای برخوردار نبود و باید از قبیل درآمد ناچیز خود جریمه پرداخت نمایند.

وضع کارگران زن شاغل در کارگاه های کوچک شهری و روستایی نیز بهتر از وضع زنانی که تولید خانگی دارند، نبوده است. این زنان که همواره از حقوق ناچیزی در مقابل کار خود که یک شغل بشمار آمده برخوردارند، نه تنها از مزیت شغلی بهتری در مقایسه با کار در خانه برخوردار نیستند، بلکه باید با تجاوزات جنسی و حتک حرمتشان بدست سرکارگر یا کارفرما نیز ساخته و دم برنیاورند.

از اینها مهم تر اینکه چنین روندی در رابطه با کارگران زن باعث شده که آنها نه تنها مزایا و امنیت شغلی نداشته باشند، بلکه صاحبان کارخانجات، آنان را برای انجام کارهای سنگین استخدام موقت با حقوقی به مراتب نازلتر از آنچه به کارگران مرد میباید پرداخت شود، نموده اند.

«یکی از کارخانجات شرق تهران از زنان کارگر، جهت اموری چون تراشکاری و کار با دستگاه پرس استفاد
می کند»

" مهدی مجیدی " ، دبیر اجرایی خانه کارگر شرق تهران ، در گفت و گو با خبرنگار سرویس کارگری ایلنا ، ضمن اعلام این خبر افزود : این کارخانه از بانوان کارگری که به نوعی نان آور خانواده هستند ، جهت کارهای سخت استفاده می کند و این زنان نیز به دلیل شرایط خاص و فقر ، حاضر به هیچ گونه اعتراضی نسبت به نحوه عملکرد صاحبان کارخانه نیستند .
وی در ادامه گفت : بیشتر این کارگران نیز در انتهای سال اخراج شده و نفرت جدیدی جایگزین آن ها می شوند ؛ در حالی که این زنان به نوعی نان آور خانواده محسوب شده و اخراج آنان باعث قطع منبع درآمد خانواده آنان می گردد .
مجیدی در خاتمه تصریح کرد : در این کارخانه ، آسیب دیدگی کارگران بسیار اتفاق می افتد ؛ ولی به دلیل شرایط خاص ، کارگران زن هیچ گونه اعتراضی نمی کنند .» (ایلنا - ۴ آبان ۱۳۸۳)

اینها از جمله مصائبی است که کارگران زن در طول دو دهه و نیم با تمام روح و جان خود لمس کرده اند و اکنون زمان آن رسیده که در برابر اینهمه ستم جنسی و طبقاتی حرکتی اساسی و انقلابی انجام داد. به همین دلیل روز ۲۹ آبان سرآغاز خوبی برای مبارزات سازماندهی شده کارگران، بویژه کارگران زن است. زنان کارگر مبارزه و انقلابی ما میتوانند رهبری این حرکت سراسری را بدست گرفته و بقیه کارگران را سازماندهی کنند.

اگر تا کنون کارفرمایان به طور پراکنده از کارگران زن بهره کشی به شکل نمونه بالا نموده اند، از این پس، یعنی با شروع فعالیت سرمایه داران خارجی در کشور، این امری عادی و متداول خواهد شد و سازمان بین المللی کار یا دولت هم نه تنها برای دفاع از کارگران حضور ندارند که در واقع حضورشان برای تحکیم و تحمیل «بی قانونی» و استثمار هر چه بیشتر کلیه کارگران بدست نظام سرمایه داری جهانی است.

از اینرو است که باید مبارزه را هر چه زودتر سازماندهی کرده و رهبری آنرا بدست خود گرفت. مبارزه برای حقوق کارگران زن، ابتدایی ترین قدم در دفاع از حقوق دموکراتیک کارگران است و به همین دلیل میباید از حمایت کلیه کارگران اعم از مرد و زن برخوردار گردد. دفاع از حقوق دموکراتیک زنان کارگر، اگر چه ممکن است به نظر بی اهمیت و جدا از مسائل کارگری به نظر آید، اما در حقیقت سخت ترین مرحله مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه داری است. حل مسائل حقوقی کارگران زن، بدون استثنا حل بخشی بزرگی از مسائل کارگران مرد را در بردارد و پیروزی در این مرحله کارگران را برای مبارزات سیاسی و طبقاتی قوی تر، متکی به نفس تر و سازماندهی شده تر میسازد.

این مبارزه سپس میتواند پس از ۲۹ آبان نیز ادامه داشته و رهبران انقلابی و شناخته شده کارگران با تجربه ای که در این زمینه در روز ۲۹ آبان کسب میکنند، در تاریخ نزدیک دیگری مجدداً یک فراخوان سراسری برای ادامه اعتراضات خود و قدم های بعدی بردارند. در این راستا کارگران زن کشور، مسئولیت تاریخی سنگینی را برای برداشتن قدم های اولیه بدوش دارند و کارگران مرد مسئولیت تاریخی پشتیبانی از آنان را.

سارا قاضی
۲۴ آبان ۱۳۸۳

<http://www.kargar.org>